

نگاهی به یکی از برگزیدگان «کتاب سال جوانان» با موضوع الهیات اجتماعی



کتاب «درآمدی بر گفتمان الهیات اجتماعی» به نویسندگی مشترک علی منصف زاده اصل و محمد صادق ذوقی به نگارش درآمده و از سوی انتشارت رزا در ۱۹۲ صفحه با قیمت ۳۹ هزار تومان به بازار نشر عرضه شده است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) «درآمدی بر گفتمان الهیات اجتماعی»، که از برگزیدگان دومین کتاب سال جوانان است، در تلاش برای بسط مفهومی، کارکردی و موضوع شناخت الهیات اجتماعی و پاسخگویی به پدیده های اجتماعی با استفاده از دین است.

در مقدمه بخش «ایده فهم اجتماعی دین» این کتاب می خوانیم: «تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. آنچه این تلاش را متمایز می کند، تاکید بر هویت اسلامی است. در پرتو چنین هویتی است که حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی تحقق می یابد و جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. هویت اسلام زمانی مشخص می شود که مبتنی بر یک دین شناسی عمیق و فهم همه جانبه از اسلام باشد و این مهم نشدنی است، مگر با الگو و مسیر دین شناسی مطلوب که مبتنی بر دیدگاه صاحب نظران و اسلام شناسان و نظریه پردازان دینی شاخص، که مقتضیات زمان را به خوبی درک می کنند و عموماً نگاه آن ها در کنار زمان شناسی آن ها این توجه به آن ها را مضاف می کند. توهمی بیش نیست که اگر تکلیف خود را در دین و نوع دین شناسی خود مشخص نکنیم، به اهداف انقلاب اسلامی چه در سطح کلان آن که می خواهد یک یک تمدن اسلامی باشد و چه در سطح خرد آن که می خواهد یک مدینه فاضله... باشد، دست نخواهیم یافت. مگر می توان بدون آنکه تلاشی جدی در دین شناسی و فهم اسلام نمود، صحبت از طی مسیر اسلامی نمود؟! حال می خواهد این کوشش اسلامی در هر رنگ و لعاب و مسئله و سلیقه ای باشد.»

نگارستان

نگاهی به نمایشگاه هایی که این روزها در مشهد برپاست

شهر مثل باغی پر از گل های رنگین



بعد از گذشت ۱۸ ماه و چندروز و از همین چند هفته گذشته، کم کم نگارخانه ها شروع به فعالیت کردند و هنرمندان هم به پیروی از آن، خون به صورت رنگ پریده هنر دوید. مشهد با تعداد زیاد هنرمندانش احتیاج به نگارخانه هایی حرفه ای داشت که به لطف آدم های دغدغه مند و عاشق، این نیاز دارد برطرف می شود. بررسی نمایشگاه ها را از «نگارخانه رادین»، به عنوان یکی از فعال ترین نگارخانه های شهر، شروع می کنم که اکنون نمایشگاه گروهی نقاشی «هجوم» در آن برپاست. در فهرست شرکت کنندگان این دوره هم هنری، اسامی چند نفر از کار بلد ترین نقاشان و مجسمه سازان شهر را می توان دید. رادین، در خیابان سجاد، خیابان حامد جنوبی، پذیرای بازدید کنندگان هنردوستان است. نگارخانه بعدی «روند» است. روند به عنوان یک نگارخانه حرفه ای، در کنار دیگر نگارخانه ها که در آینده به آن ها خواهیم پرداخت، سعی بر ارتقای سطح هنری شهر دارد و علاوه بر نمایش آثار هنرمندان، سعی می کند آدم های جدید را هم معرفی کند. مسابقات دوره ای نقاشی و طراحی و برگزاری نمایشگاه به عنوان جایزه نفرات برتر، از این دست فعالیت هاست. اکنون نمایشگاه «فراسو» در آن برپاست که آثار ظریف «طراوت فکری مهرخو» و اشامل می شود. این نگارخانه در خیابان هجرت منتظر هنردوستان است. نگارخانه «هنگام» از آن فضا های دلچسب و کوچک است. برای هنرمندانی که دوست دارند آثارشان به خوبی معرفی شود فرصت مغتنمی است. نگارخانه ای در خیابان ارشاد که اکنون نمایشگاه گروهی نقاشی با عنوان «نگری دگر» به کوشش مهدی علایی در آن برپاست. نگارخانه «آذنور» یکی دیگر از آن محل های دنج و با صفا یی است که توصیه می شود حتما سری به آن زنید و با هنر واقعی و به دور از نمایش های معمول نیز آشنا شوید. در این نگارخانه که در خیابان راهنمایی مشهد قرار دارد، اکنون نمایشگاهی دایر نیست، ولی به زودی نمایش «میراث اساطیر» شامل آثار قلم زنی، نقش برجسته و مرصع امین جعفری را در برنامه خود دارد. نگارخانه «آسمان» در بولوار وکیل آباد هم به نوبه خود، نگارخانه ای غریب ولی فعال است که در آن، تابه حال اتفاقات خوب زیادی افتاده است. این مکان اکنون پذیرای نمایشگاه حجم و مجسمه «بی زمانی» از سحر لواسانی است، ضمن اینکه جلسات سخنرانی هم در آن دایر می شود. به این نمایشگاه هم حتما سری بزنید. نگارخانه «درخت» هم که در بولوار هاشمیه و در میان حیاطی پر از درخت و سوسیزی قرار دارد، اکنون میزان نمایشگاه انفرادی نقاشی «یک بوم و هزار رنگ» از زهر اصالجی است.

افکارت را به اشتراک بگذار تا آینده را ترسیم کنیم



شهرک

۴شنبه
۱۳ آبان ۱۳۹۹
۲۷ آبان ۱۳۹۹
۲۸ آبان ۱۳۹۹

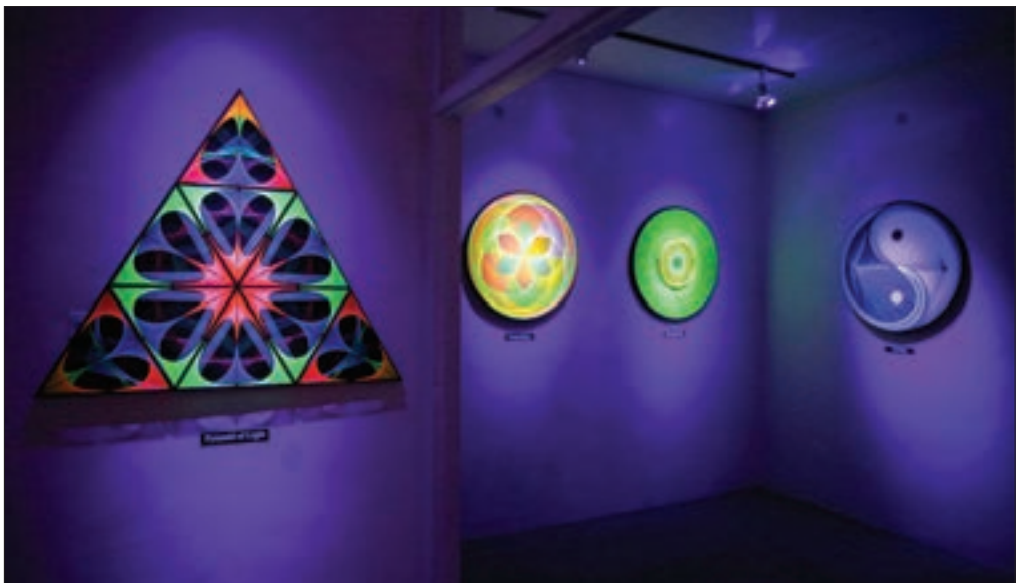
۱۴



فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با هنرمند جوان شهرکردی که نمایشگاه آثارش را در مشهد برگزار می‌کند

نقش‌هایی از فلسفه زندگی در نخ‌های درهم‌تنیده



نفس‌گیری وجود دارند که همه‌ی ما ناگزیر به عبور از آن‌ها هستیم. مدارج مختلف و بی‌انتهای تحصیلی و قوانین دست و پاگیر کار و مهاجرت از جمله‌ی این گذرگاه‌ها هستند. آنچه در انتهای این مسیر پرمنابع، انتظار انسان امروز را می‌کشد، شباهت بیش از پیش او به دیگران است، گویی که یکسان‌سازی انسان و تبدیل او به یک واحد قابل شناسایی، هدف غایی جهانی است که پذیرش تفاوت‌ها برایش پرهزینه است. قصه، در آستانه‌ی سی سالگی، من با فنی آشنا شدم که بی‌شباهت به این توصیف نبود. String Art (میخ و نخ)، میخ‌ها را روی چوب ثابت می‌کند و نخ‌ها مجبورند با عبور از بین میخ‌های ثابت به حرکت و تصویر برسند. تصویر نهایی بر خلاف آنچه در جهان بیرون پس از گذر از آن موانع صلب برای ما اتفاق می‌افتد، معمولاً متناسب، منظم و دل‌نشین است. من اراده‌و توانم را صبورانه از بین میخ‌ها عبور دادم و با تکرار خطوط صاف و محدود بین دو میخ به انحنا و راه‌یایی رسیدم. امیدوارم نتیجه‌ی این تلاش برای بیننده چشم‌نواز باشد، در ادامه با او یک گفتنی داشته‌م و از سخنی‌ها و انگیزه‌هایش پرسیدم.

● **چطور می‌شود که یک مهندس رشته برق، به هنر گرایش پیدا می‌کند و تازه به این شکل از بیان هنری‌رو می‌آورد؟** می‌شود توضیح بدهید این موضوع چطور شروع شد و اولین کاری که انجام دادید، چه بوده است؟ اصلاً آیا قبلاً سابقه کار هنری داشته‌اید؟

باید بگویم که من همواره به هنر علاقه‌مند بوده‌ام. از دیدن زیبایی در هر جا لذت می‌بردم و دیدن ساختار و معماری زیبا بن‌بست، ثمره چندین سال زحماتش را به تماشا گذاشته است. آثاری باخ و میخ، که چیزی فراتر از تصاویر هم‌شکل و هم‌سو با این کار است. پشت هر قاب، فلسفه‌ای عمیق در انتظار آدم است تا با کشف آن وجودش سرشار از شادی شود. فرم‌های اعجاب‌انگیز هندسی که هر کدام از آن‌ها، آدم‌هوشیار را به یاد چیزی می‌اندازد و به فکر فرو می‌برد. از این بگذریم که بعضی از آثار، سکنه‌ای در کل نمایشگاه ایجاد می‌کند و انگار ضعیف‌تر از بقیه هستند.

آثاری که دنبال کردن شیوه اجرائیشان هم زمان بر و طاق‌ت فرساست، دیگر چه پرسد به اجرای آن‌ها.

این هنرمند جوان، بیست و چهارم شهریور ۱۳۷۰ در شهرکرد به دنیا آمده است. دوران تحصیل را در همین شهر به پایان رسانده است و برای آموختن رشته الکترونیک در مقطع کارشناسی به اصفهان می‌رود. حین تحصیل در مشاغل متفاوت و متنوعی مشغول به کار می‌شود و در سفرهای دور و درازش، جذب اشکال هندسی بناهای تاریخی ایران می‌شود. همین جاذبه منجر به آشنایی او با string Art می‌شود. هنری که تا امروز، نزدیک به چهار سال در آن طبع آزمایی کرده است و از انداختن‌های تلخ و شیرین سفرهای متعددش در آن استفاده می‌کند. فلسفه، نجوم‌روان‌شناسی، از دیگر علایق اوست که در این سال‌ها، موضوع مطالعات شخصی اش بوده است و او را در پیش‌رو اهدافش در حوزه هنر یاری رسانده‌اند. آرزای دهنک‌دی در یادداشتی برای شروع نمایشگاهش این‌طوری می‌نویسد: «به‌یادور من در مسیر زندگی انسان امروز، گذرگاه‌های تنگ و

را ببیند. حالا که صحبت از نخ شد، لطفاً بگویید برای این آثار، از چه نوع نخ‌هایی استفاده می‌کنید؟ اصلاً نوع نخ در کیفیت کارهایتان تفاوتی ایجاد می‌کند؟

در ابتدا از نخ‌های ایرانی استفاده می‌کردم، ولی نخ‌های داخلی رنگ مناسبی ندارند. الان بیشتر از نخ‌هایی با مارک‌های آلمانی مثل گوترمن و مادیرا یا چینی استفاده می‌کنم. که خیلی گران‌تر و کمیاب‌تر از نخ‌های تولید داخل است. این مارک‌ها رنگ‌بندی و کیفیت خیلی خوبی دارند، ولی قیمتشان به شدت زیاد است. یک بسته صد رنگی شان حدود ۲۰۰ یورو قیمت دارد. مثلاً برای کارهای بزرگ که احتیاج به نخ‌هایی با قطر بیشتر است، خودم از بافتن چند نخ با کیفیت به یکدیگر، آنچه‌رامی‌خواهم، درست می‌کنم؛ چون این نخ‌ها در بازار نیست و اگر هم پیدا بشود، خیلی گران است. در همین‌سال‌که گذشت، باز هم نخ‌ها افزایش قیمت داشته است. نمی‌دانم چه حکمتی است که هر سال قیمت‌ها بیشتر می‌شود و کیفیت‌ها پایین می‌آید و تازه پیدا هم نمی‌شود. این قضیه در باره بقیه لوازم هم صادق است. از دم‌ای‌اف‌زیر قیبل کارها، مخاطب کمتری دارند.

● **البته پیچیدگی بخشی از کار شماست. راستش دنبال کردن این نخ‌ها سخت است و ترجیح مخاطب هم بر این است که کلیت اثر**

باید بگویم که من همواره به هنر علاقه‌مند بوده‌ام. از دیدن زیبایی در هر جا لذت می‌بردم و دیدن ساختار و معماری زیبا بن‌بست، ثمره چندین سال زحماتش را به تماشا گذاشته است. آثاری باخ و میخ، که چیزی فراتر از تصاویر هم‌شکل و هم‌سو با این کار است. پشت هر قاب، فلسفه‌ای عمیق در انتظار آدم است تا با کشف آن وجودش سرشار از شادی شود. فرم‌های اعجاب‌انگیز هندسی که هر کدام از آن‌ها، آدم‌هوشیار را به یاد چیزی می‌اندازد و به فکر فرو می‌برد. از این بگذریم که بعضی از آثار، سکنه‌ای در کل نمایشگاه ایجاد می‌کند و انگار ضعیف‌تر از بقیه هستند.

آثاری که دنبال کردن شیوه اجرائیشان هم زمان بر و طاق‌ت فرساست، دیگر چه پرسد به اجرای آن‌ها.

این هنرمند جوان، بیست و چهارم شهریور ۱۳۷۰ در شهرکرد به دنیا آمده است. دوران تحصیل را در همین شهر به پایان رسانده است و برای آموختن رشته الکترونیک در مقطع کارشناسی به اصفهان می‌رود. حین تحصیل در مشاغل متفاوت و متنوعی مشغول به کار می‌شود و در سفرهای دور و درازش، جذب اشکال هندسی بناهای تاریخی ایران می‌شود. همین جاذبه منجر به آشنایی او با string Art می‌شود. هنری که تا امروز، نزدیک به چهار سال در آن طبع آزمایی کرده است و از انداختن‌های تلخ و شیرین سفرهای متعددش در آن استفاده می‌کند. فلسفه، نجوم‌روان‌شناسی، از دیگر علایق اوست که در این سال‌ها، موضوع مطالعات شخصی اش بوده است و او را در پیش‌رو اهدافش در حوزه هنر یاری رسانده‌اند. آرزای دهنک‌دی در یادداشتی برای شروع نمایشگاهش این‌طوری می‌نویسد: «به‌یادور من در مسیر زندگی انسان امروز، گذرگاه‌های تنگ و

کرده‌بود. از دیگر نکات جالب توجه این فیلم، حضور آرش عدل‌پرور از خوانندگان موسیقی پاپ به عنوان بازیگر است. او در کنار دیگر بازیگرانی چون ژاله صامتی، همایون ارشادی، فرید سجادی حسینی، گیتی قاسمی، زیبا کرملی، شاهرخ فروتنیان و احسان امانی به ایفای نقش پرداخته است.

«گر به سیاه»، ساخته کریم امینی، نیز کرانش قطعی شده است و از ۱۰ آذر روی پرده سینما هم می‌رود. این فیلم محصول سال ۱۳۹۸ است و بهرام رادان تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد. رادان در فیلم «گر به سیاه» به ایفای نقش هم پرداخته است. از دیگر بازیگران این فیلم می‌توان به ترلان پروانه، بهار کیان‌افشار، کیارکنتی و علیرضا استادی اشاره کرد.

کرده‌ام از بهترین مواد استفاده‌کنم، چه برای سفارش‌هایی که گاه و بیگاه می‌گیرم و چه برای کارهای خودم.

● **با این همه هزینه، تا به حال فکر کرده‌اید به اینکه این تابلوها را مثل تابلوهای نقاشی‌روی دیوار در ساختمان‌ها و هتل‌ها کار کنید؟ اصلاً آینده‌این کار را چه از نظر تجاری و چه از نظر هنری، چطور می‌بینید؟ فکر می‌کنید این کار مشتری خودش را پیدا می‌کند؟**

بله، مسلماً آینده خوبی دارد. هنری است که در جهان کمتر شناخته‌شده و در این چند سال اخیر، رشد فزاینده‌ای داشته است. من شش نوع از این هنر را می‌شناسم و شاید بیشتر از این مقدار هم باشد. همین حالا هم افراد زیادی هستند که در بازار کار ایران فعالیت می‌کنند. خیلی‌های دیگر با ساختن چهره از این هنر استفاده می‌کنند. من همان اوایل چهره دو هنر پیشه خارجی را کار کردم و بعد به سراغ شکل‌های هندسی و معماری رفتم.

● **حرف معماری پیش‌آمد. با اینکه بعضی از آثار، به معماری و ساختار هندسی اشاره می‌کند، به نظر می‌رسد بعضی از کارهایتان هیچ ارتباطی با معماری ندارد و تصویرهایی خلّاقه و نو است. بعد از معماری ساختمان‌های قدیمی، از چه چیزهایی بیشتر الهام می‌گیرید؟ آیا طبیعت هم در ایده‌یابی برای آثار به شما کمک کرده است؟**

بیشتر ایده‌ها را از آثار هنری و ساختمان‌های قدیمی می‌گیرم. به‌نظم، معماری ایرانی، شخصیت‌ویگانگی خاصی دارد، شمایل هندسی را که در طاق‌ها و ایوان‌های ساختمان‌های قدیمی وجود دارد، در هیچ جای دنیای منی توان پیدا کرد. یکی از کارهای این مجموعه را از سقف آرامگاه حافظ و یکی دیگر را از سازه آرامگاه خیام الهام گرفته‌ام. آرشو کاملی از تصاویر

مساجد و آرامگاه‌های کشورمان دارم که هر کدام تا چندین سال منبع الهام هستند و با ادغام آن‌ها با هم، به طرح‌های جدیدی می‌رسم. ولی همیشه هم نمی‌شود یک کار را تبدیل به تابلو کرد. به همین دلیل فقط ایده پنخ تا از راه‌ییم از ساختمان‌های ایرانی است، بقیه‌ا اشکال شرقی و گاهی از طبیعت است. پشت سر همه آن‌ها هم فلسفه‌ای عمیق است، که اگر مخاطب علاقه‌مند باشد و اهل مطالعه، دنبالشان خواهد کرد. بعضی از آثار به فلسفه زندگی و بعضی از آن‌ها به گل‌ها و نیلوفرهای آبی اشاره دارد. نیلوفر آبی، نشان از همراهی با طبیعت و غرق نشدن در آن است.

● **فکر می‌کنم که این فلسفه را خودتان هم به کار گرفته‌اید. اگر نه، برای چه این همه راه آمده‌اید به مشهد و در اینجا نمایشگاه برپا کرده‌اید؟ مثلاً نمی‌شد به اصفهان یا تهران بروید که از نظر مسافت نزدیک‌تر به شهرکرد هستند؟ آیا قصد دارید این نمایشگاه را به شهر دیگری بعد از مشهد بپرسید؟**

شهرکرد، چند نگارخانه دارد که هیچ کدام قبول نکردند که این آثار را نمایش بدهند. به سفارش دوستی به مشهد آمدم و نمایشگاه برپا کردم. این سؤال را زیاد پرسیده‌اند که چرا به تهران یا اصفهان نرفتم. من اعتقاد دارم حالا که تقدیر این‌طور شده است که به مشهد مقدس بیایم، پس می‌آیم. بیشتر ایده‌ها را از آواسیب به کارها را به جان می‌خرم ولی با روند تقدیر نمی‌چنگم. همان‌طور که گفتید، اعتقاد به این دارم که زندگی را نباید سخت گرفت و با آن باید همراه شد. فعلاً که قصدی برای برگزاری این نمایشگاه در شهرهای دیگر ندارم، ولی اگر پیشنهاد خوبی برای برگزاری نمایشگاه در شهرهای دیگر، دریافت‌کنم، از آن استقبال می‌کنم.



احمدی نیا، لیندا کیانی، محمد نادری، فرزانه سهیلی و مجید صالحی به همراه امید روحانی، سیامک ادیب و آتش تقی‌پور، گروه بازیگران «صحنه زنی» را تشکیل می‌دهند.

متفاوت دارد. این فیلم در سی و هشتمین دوره جشنواره جهانی فجر حضور داشت و سمیرغ‌نقره‌ای بهترین کارگردانی در بخش جلوه‌گاه شرق را از آن خود کرد. مهتاب کرامتی، بهرام افشاری، پیام